

نقش خانواده در سازگاری اجتماعی فرزندان

The role of the family in children's social adjustment

Sana Aslani

Bachelor's student in Guidance and Counseling,
Farhangian University, Fatemeh Al-Zahra Campus,
Tabriz, Iran.

ثنا اصلانی^۱

دانشجوی کارشناسی رشته راهنمایی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان
پردیس فاطمه الزهرا تبریز.

Zahra Fardi

Bachelor's student in Guidance and Counseling,
Farhangian University, Fatemeh Al-Zahra Campus,
Tabriz, Iran.

زهرا فردی

دانشجو کارشناسی رشته راهنمایی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان
پردیس فاطمه الزهرا تبریز.

Abstract

Children's behavior during the years of growth can be shaped by parents in the way they want. The type of interaction of parents in various patterns and normal and natural behaviors that they use in order to control and socialize their children is called parenting styles. The study of parent-child relationships is one of the important discussions of developmental psychology. We are looking to investigate the relationship between the role of the family and the social adjustment of children. In order to achieve the research goal, library studies and sources such as theses, journals, SID, Magiran, etc. sites were used. The results of the findings showed that the family and parenting styles have an effect on the degree of social adjustment.

Keywords: Family, Social adjustment, Parenting styles.

چکیده

رفتار کودکان در طول سال‌های رشد می‌تواند توسط والدین به شکل و جهت دلخواه شکل بگیرد. نوع برخورد والدین در قالب و رفتاری‌های متنوع و بهنجار و طبیعی که به منظور کنترل و اجتماعی‌کردن فرزندان خود به کار می‌برند؛ سبک‌های فرزند پروری نامیده می‌شود. مطالعه روابط والدین و کودک، یکی از بحث‌های مهم روانشناسی رشد را تشکیل می‌دهد. روابط بین کودکان و سایر اعضای خانواده را می‌توان به مثابه نظام یا شبکه‌ای پژوهش برحسب هدف از نوع تحقیقات کاربردی است که از طریق روش توصیفی-تحلیلی به دنبال این هستیم که رابطه بین نقش خانواده و سازگاری اجتماعی فرزندان را مورد بررسی قرار دهیم. جهت دستیابی به هدف پژوهشی از مطالعات کتابخانه‌ای و منابعی از قبیل پایان‌نامه، ژورنال‌ها، سایت‌های SID، Magiran و... استفاده شد. نتایج یافته‌ها نشان داد که خانواده و سبک‌های فرزندپروری بر میزان سازگاری اجتماعی تاثیر دارد.

واژه‌های کلیدی: خانواده، سبک‌های فرزندپروری، سازگاری اجتماعی.

مقدمه

هدف این پژوهش بررسی نقش خانواده در اجتماعی شدن فرزندان می‌باشد. صاحب نظران علوم اجتماعی و رفتاری خانواده را یکی از کارگزاران اصلی فرایند جامعه پذیری و تربیت نسل آینده و اولین بستر رشد جسمی، اجتماعی و روانی کودک می‌دانند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۳ به نقل از جعفری سیریزی، عسگری ندوشن و روحانی، ۱۴۰۰). از نقطه نظر اجتماعی، در درون محیط خانواده مسئولیت اصلی تربیت فرزندان متوجه پدر مادر است و یکی از وظایف اصلی والدین، آموزش نقش‌های اجتماعی، درونی کردن ارزش‌های فرهنگی، آماده سازی فرزندان برای زندگی گروهی و اجتماعی است. مطالعات نشان داده‌اند که تاثیر والدین بر فرزندان در دوره کودکی و نوجوانی شروع می‌شود و اغلب موارد، پس از آن، حتی تا بزرگسالی ادامه می‌یابد. (کانینگهام^۱، ۲۰۰۱ به نقل از جعفری سیریزی و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین، ادبیات موجود در زمینه روابط بین نسلی موید آن است که خصوصیات اخلاقی، رفتاری، و حتی سطح دسترسی والدین به منابع (اعم از اقتصادی و سرمایه انسانی) به طور مستقیم بر رفتارها و دیدگاه تاثیرگذار است (جعفری سیریزی و همکاران، ۱۴۰۰). خانواده را می‌توان پایه و اساس ساخت اجتماعی به حساب آورد. به گونه‌ای که سلامت جامعه همواره در گرو سلامت خانواده است. والدین به عنوان سرشاخه آموزش می‌توانند نقش نظارتی را در زندگی فرزندان ایفا کنند، والدینی که با فرزندان خود تعاملی دوستانه داشته و اعتماد فرزندان را جلب می‌کنند و در عین حال قاطعیت خویش را نیز اعمال می‌کنند، در تربیت فرزندان و اجتماعی کردن آنان موفق‌ترند (صالحی و نعیم یآوری، ۱۳۹۳ به نقل از دسترنج، ۱۳۹۹). ما در جامعه دو روش انتقال فرهنگ داریم، یکی روش مستقیم و آمرانه است. یکی روش غیر مستقیم که با آن کودکان الگوها را می‌بینند، حس می‌کنند، لمس می‌کند، از آن الگو می‌گیرد. شکل دوم که غیرمستقیم است، تاثیرش بیشتر است. در نظریه یادگیری اجتماعی فرض بر این است که نوزاد لوحه‌ای خالی است که در اثر تاثیر دنیای اجتماعی، انسان می‌گردد. وسیله اصلی یادگیری وی یکسان سازی خودش با بالغین حاضر در محیط اولیه‌اش است. منحصر «خود» یکسان سازی وی را قادر می‌سازد که او بخش‌هایی از رفتار را جذب کند که منحصر به فردش خواهد ساخت (کارخانه، ۱۳۹۶). همچنین تاثیر خانواده آن چنان بر رشد بارز است که پژوهش گران با وجود اختلاف نظر در زمینه‌های مختلف، در زمینه اهمیت سبک‌های فرزندپروری و تاثیر آن بر رشد نظر مشترک دارند. هسته مهمی از فرایندها و تعاملات ناشی از محیط خانواده، به باورها و ادراکات کودک از باورها و ادراکات کودک از باورها و رفتارهای والدین آنها بر می‌گردد. مطالعه روابط والدین و کودک، یکی از بحث‌های مهم روانشناسی رشد را تشکیل می‌دهد. روابط بین کودکان و سایر اعضای خانواده را می‌توان به مثابه نظام یا شبکه‌ای از بخش‌ها دانست که در ارتباط متقابل با یکدیگرند. ممکن است والدین هم فرزندانشان را دوست داشته باشند و هم آنها را طرد کنند، یا در عین دوست داشتن آنها در مسائل انضباطی سختگیری کنند. پاسخ کودک نیز صرفاً به یک جنبه از رفتار والدین یا شخصیت آنها ارتباط پیدا نمی‌کند، بلکه تحت تاثیر ترکیبی از عوامل متفاوت است (دودمان، قلتاش ۱۳۹۶). در عصر کنونی والدین برای جلب توجه فرزندان شان، با عوامل گوناگون و همسالان درگیر رقابتی سخت می‌شوند و دائم تلاش می‌کنند بر فرزندانشان تاثیر بگذارند. این امر آنها را تشویق می‌کند در رفتار فرزندپروری خود به گونه متفاوتی عمل کنند تا این تلاش‌ها را کم اثر کنند (بنسن^۲؛ ۱۹۹۷ به نقل از قلتاش و دودمان ۱۳۹۶). در دنیای جدید این مسئله هم مانند سایر مسائل دست خوش تغییر و تحولات عمیق و گسترده شده و الگوهای تعرف شده مورد قبول همگانی تربیت فرزند، انسجام و مقبولیت خود را از دست داده و در نتیجه این مسئله کهن صورت و ماهیتی نویافته است. در یک نگاه کلی، شاید مهمترین ویژگی عصر حاضر تغییرات اجتماعی با سرعتی بی سابقه باشد. هم جوامع توسعه یافته و هم جوامع در حال توسعه با ساختارهای اجتماعی متفاوت در این ویژگی باهم مشترک می‌باشند. در نتیجه، اجتماعی شدن کودکان نیز در یک چنین متن اجتماعی به کلی متفاوت با گذشته شکل گرفته و رخ می‌نماید. در عین حال که مسئله تربیت فرزندان مهمترین دل مشغولی

¹ Cunningham² Benson

پدران و مادران است، مطالعات متعدد موجود در این عرصه بیشتر بک‌های فرزندپروری (مستبدانه، مقتدرانه و سهلگیر) را با استفاده از پرسش‌نامه‌های استاندارد و ارتباط این سبک‌ها با متغیرهای متعددی چون طرحواره‌های ناسازگار اولیه، کمال‌گرایی والدین، گسست نسلی، خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی مورد بررسی قرار داده است. اگر چه تحقیقات کمی برای اندازه‌گیری پدیده‌ها و بررسی همبستگی متغیرها مناسب بوده و در جای خود ارزشمند است، ولی برای پدیده‌های پیچیده مانند اجتماعی شدن فرزندان که به شدت تحت تاثیر و در تعامل با زمینه (عوامل اجتماعی و فرهنگی در سطح کلان، میانه و خرد) قرار دارد تحقیقات کیفی ضرورت می‌یابد (نوایی و نگارنده، ۱۳۹۵). نوع برخورد والدین در قبال رفتارهای متنوع، بهنجار و طبیعی که به منظور کنترل و اجتماعی کردن فرزند خود به کار می‌برند؛ سبک‌های فرزندپروری نامیده می‌شود. شیوه‌های تربیتی والدین و روش‌های انضباطی آنان بی تردید تحت تاثیر خصوصیات شخصیتی و سیستم اعتقادی آنان است. والدین سالم و بالغ در مقایسه با والدین نابالغ و ناسالم معمولاً با حساسیت و مهربانی بیشتری به نیازها و اشارات کودکان توجه می‌کنند که این نوع فرزند پروری، مشوق امنیت عاطفی، استقلال، توانش اجتماعی و موفقیت هوشی کودکان است. (دودمان، ۱۳۹۵). مغز کودک برای جذب دنیای وسیع اطراف خود باز است. او کنجکاوی زیادی برای کشف و تجربه اشیا و موقعیت‌ها دارد. "رشد شناختی یک اصطلاح گسترده برای نشان دادن تمام مراحل ذهنی به سمت تفکر پیچیده است." پایژه^۱ و برونر^۲ پیشگامان در توضیح فرآیندهای برجسته رشد شناختی کودکان هستند. مطالعه پایژه تلاش می‌کند تا رابطه بین سازمان زیستی و ساختارهای فکری را به عنوان اساس در فرآیند ذهنی توضیح دهد. پایژه کل عرصه روانشناسی کودک را با اصطلاحات خاص خود به عنوان «طرحواره»، «آسانسازی» و «انطباق» در فرآیند رشد کودک را از دوران نوزادی تا نوجوانی ارزیابی کرد. پایژه معتقد بود که یک کودک از طریق محیط خود به طور کامل و مستقل در هرفرد می‌آموزد، مکانیزم درونی خود تنظیمی وجود دارد که به تحریکات محیطی پاسخ می‌دهد. رشد عاطفی عواطف دائماً در روابط والدین و کودک دخالت دارند. (Majeed, 2016) بنابر این مسئله ما این است که آیا خانواده بر سازگاری اجتماعی فرزندان تاثیر گذار است؟

مبانی نظری

خانواده

خانواده به عنوان یک سیستم اجتماعی، شامل گروهی از افراد است که از طریق ازدواج، تولید مثل و پرورش فرزندان باهم زندگی می‌کنند. این سیستم و سازمان اجتماعی در طول تاریخ نقش حیاتی برای رشد، پیشرفت و اجتماعی شدن نوع انسان ایفا کرده است خانواده بدون شک مهمترین سازمانی است که بستر ساز رشد و رفاه جسمی، روانی و اجتماعی کودک و عامل رسیدن وی به تعادل (فیزیکی، روانی، اجتماعی) است (وود ۱۹۹۶^۳ به نقل از ارجمند و یزدان‌پناه، ۱۴۰۰). خانواده از ارجمندترین، نهادهای انسانی است که از همان بدو پیدایش، همراه با تغییرات شئون مختلف زندگی بشر، دگرگونی یافته است. خانواده شالوده حیات اجتماعی محسوب می‌گردد. و گذشته از وظیفه فرزندآوری و پرورش کودک که موجب استمرار و بقای نوع بشر محسوب می‌گردد، وظایف متعدد دیگری از قبیل فعالیت‌های اقتصادی، آموزش و پرورش و اجتماعی کردن فرزند را نیز به عهده دارد. خانواده مهمترین منبع تامین امنیت و سلامت برای افراد جامعه و درعین حال عمده ترین عرصه ایجاد انواع مشکلات اجتماعی است. خانواده کانونی خصوصی است که دارای پیامدهای عمومی و اجتماعی بسیاری است. کودکان ما نسل بعدی جامعه هستند و نحوه رشد و پرورش آنها آینده جامعه را تعیین می‌کند (طیعی و ناظمیان، ۱۳۹۹). در دین اسلام، خانواده نخستین و مهمترین نهاد تربیتی است که بر انسان تاثیر می‌گذارد و شاکله تربیتی وی را سامان می‌دهد و از روشن‌ترین جلوه‌های رحمت و مودت

¹ Jean Piaget

² Jerome Bruner

³ Wood

است که به دلیل مناسبات و روابط ویژه عاطفی، پایدارترین آثار روحی، اخلاقی و رفتاری را در ساختار تربیتی انسان برجای می‌گذارد. باتوجه به اینکه انسان چند بعدی است که همه ابعاد آن باهم در تعامل است و عواطف به عنوان یکی از ابعاد مهم آدمی نقش مهمی در زندگی ایفا می‌کند، اهتمام به بررسی اهمیت این بعد از شخصیت انسان و چگونگی پرورش آن و به عبارتی دیگر تربیت عاطفی ضروری است که والدین نقش اساسی و کلیدی در این تربیت ایفا می‌کنند. تربیتی به منظور شکوفا سازی، هدایت و کنترل عواطف و احساسات بهره گیری به موقع از آنها در جهت مطلوب یعنی خیر و سعادت انسان (شریعتی و صحرایی، ۱۳۹۸). در تحقیقی که بالبی انجام داد اودا کرد کودکانی که دارای مشکلات رفتاری مختلفی بودند، تحت مراقبت‌های مادری کامل و صحیحی قرار نداشتند (بالبی^۱، ۱۹۵۳). آلبرت بندورا^۲ نیز معتقد است که شخص، رفتار را در دوران کودکی و تقلید از دیگران، خصوصا والدین و یا جانشینان آنان بدست می‌آورد. تئوری بندورا کاربردهای گسترده‌ای در مطالعه نحوه جامعه پذیری سیاسی فرد دارد و غالباً برای توضیح انتخاب علاقه حزبی والدین توسط فرزندان‌شان مورد استفاده قرار می‌گیرد. از دیدگاه بعضی از جامعه شناسان از جمله کولی، آژانس‌های جامعه پذیری چون خانواده به عنوان منابع زندگی نه فقط برای افراد بلکه برای نهادهای اجتماعی به حساب می‌آید. بازی که روابط صمیمانه و احساس در آنها جاری است منابع اصلی برای ایجاد نهاد اجتماعی شدن شمرده می‌شوند. ویلیام جی گود بر خانواده به عنوان عامل اساسی اجتماعی تاکید دارد (کارخانه؛ ۱۳۹۶). مقدمه حمایت اجتماعی یک اصطلاح چند وجهی است. این کمکی است که از منابع مختلف مانند والدین، دوستان، معلمان، سازمان‌های دولتی، افراد در مدرسه و سایر افراد مهم به افراد ارائه می‌شود. ۱- حمایت عاطفی: ارائه عشق و محبت، همدلی، همدردی به شخص. ۲- حمایت محسوس: ارائه کمک‌های مالی، کمک‌های اولیه مادی به شخص ۳- حمایت اطلاعاتی: ارائه راهنمایی، مشاوره، پیشنهاد به یک فرد و کمک به او برای حل مشکلات ۳- حمایت نامشهود: ارائه مشاوره شخصی به شخص. حمایت اجتماعی حائلی است که فرد را از سطوح بالای استرس محافظت می‌کند. فشار خونو خطر سایر بیماری‌های قلبی- عروقی را کاهش می‌دهد حمایت عاطفی والدین ممکن است با تقویت یک یا چند جنبه از خود که توسط دشواری تهدید شده اند، پریشانی را خنثی یا کاهش دهد. حمایت اجتماعی فرزند پروری والدین چیست؟ این فرآیند مراقبت و تربیت کودک توسط هردو والدین و کمک به آنها برای رشد از وابسته به مستقل تر است. رابطه والد و فرزند یک رابطه متقابل است. این رابطه یک طرفه نیست. پدر و مادر بودن اولین وظیفه تربیت فرزندان به بهترین شکل ممکن است. والدین می‌توانند اعتماد به نفس، ارزیابی خود، شایستگی خود و توانایی اعتماد کردن را در کودک ایجاد کنند. والدین باید خود را موظف بدانند که از فرزندان در برابر هرگونه خطر محافظت و پرورش دهند. حمایت والدین در قالب محبت، مراقبت و غیره برای رشد و تکامل مناسب کودک ضروری است و آنها را از نظر جسمی و روحی آماده می‌کند. والدین باید با جدیت نسبت به وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی خود متعهد باشند والدین مانند الگوهایی برای کودکان هستند. کودکان نگرش والدین خود را نسبت به یادگیری درک می‌کنند. والدین می‌توانند به طور پویا و موثر رفتار فرزندان خود را تعدیل کنند. مراقبت از فرزندان می‌تواند تأثیر زیادی از نظر اخلاقی و همچنین اجتماعی از خود نشان دهد. این ماهیت مقتدرانه والدین است که می‌تواند آنها را به اخلاق راهنمایی و مقید کند. والدین می‌توانند سرنوشت فرزندان خود را شکل دهند. والدین می‌توانند به طور موثر طرح بایدها و نبایدها را اولویت‌بندی کنند. مراقبت از فرزندان می‌تواند در شکل دادن به آینده آنها سودآور باشد. این مشارکت عملی والدین است که عملکرد فرزندان‌شان را تعیین می‌کند. والدین می‌توانند بر خواسته‌ها، عادات، نگرش‌ها و اهداف فرزندان خود تأثیر بگذارند و آنها را برانگیزند. نقش والدین را هرگز نمی‌توان با هیچ معیاری از آموزش حرفه‌ای باطل کرد. «این منبع است که مسیر جریان را تعیین می‌کند». والدین می‌توانند تاریک‌ترین زوایای فرزندان خود را با گرمای محبت، محبت و مراقبت خود روشن کنند و این غیرت و ذوق «الهی» است که والدین را از متخصصان متمایز می‌کند. این آگاهی والدین است که وجدان فرزندان‌شان را تعیین می‌کند. وظیفه شرعی

¹ Bowlby² Albert Banudura

والدین است که فضای پایدار و صالح را برای تربیت مؤثر فرزندان در عرصه اجتماع فراهم کنند. پروتئین‌ها برای ماهیچه‌ها چیست... والدین برای کودکان هستند. (Majeed, 2016)

سازگاری اجتماعی

کلمه سازگاری برای متناسب کردن است. سازگاری اجتماعی از روابط بین افراد، گروه‌ها و عناصر فرهنگی تشکیل شده است و به عنوان مهم‌ترین شاخص سلامت روان است. سازگاری اجتماعی در برگیرنده ارزیابی ذهنی و عینی است معیار اندازه‌گیری رشد اجتماعی هرکس سازگاری او با دیگران است. اساس سازگاری اجتماعی بوجود آوردن تعادل بین خواسته‌های خود و انتظارات اجتماع است. انواع فعالیت‌های زندگی انسان درمورد سازگاری انسان با مسائل شغلی، اجتماعی و اقتصادی‌اش تکامل می‌یابد، همچنین با عوامل مختلفی مثل هوش، جنسیت، موقعیت اجتماعی خانواده، قومیت و... ارتباط دارد (عباداتی، ۱۴۰۰). اصطلاح سازگاری وقتی به کار گرفته می‌شود که فرد در یک فرایند مستمر و پرمایه برای ابراز استعدادهای خود واکنش نسبت به محیط و در عین حال درجهت تغییر آن به گونه‌ای مؤثر، درگیر است. از طرفی این واژه به یک حالت تعادل کامل بین ارگانیسم و محیط اشاره دارد (فام و موری، ۲۰۱۶ به نقل از سنگانی و همکاران، ۱۴۰۱) این موضوع فرایندی است که افراد را قادر می‌سازد تا رفتار دیگران را درک و پیش بینی کند. رفتار خود را کنترل و تعاملات اجتماعی خود را تنظیم کند. به طور کلی سازگاری اجتماعی در نوجوانان به عنوان مهم‌ترین نشانه‌های سلامت روان آنها است (فردریک ویلسون ۲۰۱۶ به نقل از سنگانی و همکاران، ۱۴۰۱). از نظر انتونی گیدنز^۲ «اجتماعی شدن فرایندی است که طی آن فرد به شخصی خودآگاه، دانا و ورزیده در شیوه‌های فرهنگی که در آن متولد گردیده است تبدیل می‌شود.» اجتماعی شدن به معنای هم نوایی و همسازي فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی است یا به مفهوم دیگر، اجتماعی شدن فراگردی است که به واسطه آن هر فرد دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم برای مشارک موثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی را کسب می‌کند. مجموعه این ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌ها فرد را قادر می‌سازد که با گروه‌ها و افراد جامعه روابط و کنش‌های متقابل داشته باشد. فراگرد اجتماعی شدن امری مستمر و به اعتباری مادام‌العمر است. از دیدگاه جامعه‌شناسی، جامعه پذیری روندی است که طی آن انسان، اجتماعی شدن را می‌آموزد. از این رو، می‌توان جامعه پذیری را مترادف فراگیری دانست، زیرا انسان به ویژه در دوران کودکی و نوجوانی در حال فراگیری می‌گذراند. هنگامی که صحبت از فراگیری شود به یاد تعلیم و تربیت می‌افتیم. درحالی که منظور از جامعه پذیری وسیعتر از آن است. جامعه پذیری را می‌توان دو دیدگاه عینی و ذهنی مورد توجه قرار داد. از لحاظ عینی (از نظر جامعه و تاثیر آن بر فرد) جامعه پذیری فرایندی است که به موجب آن جامعه فرهنگش را از یک نسل به نسل بعدی انتقال می‌دهد و فرد با شیوه پذیرفته شده و تایید شده زندگی اجتماعی سازگار می‌کند. بنابراین، کارکرد جامعه پذیری این است که استعداد و انضباط‌هایی را که فرد به آنها نیاز دارد پرورش دهد، نظام ارزش‌ها، آرمان‌ها و انتظارات زندگی جاری جامعه‌ای خاص را به فرد منتقل می‌کند و به خصوص، نقش‌های اجتماعی‌ای را که باید ایفا کند آموزش دهد. از لحاظ ذهنی (از نظر فرد و پاسخ آن به جامعه) جامعه‌پذیری فرایندی است برای شکوفا کردن استعدادهای بالقوه، فراهم آوردن امکانات رشد و شخصیت و تبدیل فرد به شخص (فرد اجتماعی) و در نتیجه برقراری رشد شخصیت و آموزش نقش‌ها و منش‌ها، به وجود آوردن خواسته‌ها و برآوردن نیازها و دستیابی به تجربه‌های اجتماعی (مختارپور، ۱۳۹۸). به طور کلی سازگاری اجتماعی علمی است که در جستجوی درک و فهم ماهیت و علل رفتارهای فرد در مقیسات اجتماعی است. منظور از واژه رفتار، تنها رفتار آشکار نیست بلکه کلیه رفتارهایی پنهان مانند، احساس‌ها و اندیشه‌های فرد نیز می‌باشد. خانواده از جمله عوامل مرتبط بر سازگاری دانش‌آموزان می‌باشد. سازگاری اجتماعی به عنوان مهم‌ترین نشانه سلامت روان، از جمله مباحثی است که در

¹ Fredrik & Wilson

² Anthony Giddnes

دهه‌های اخیر توجه بسیاری از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و به ویژه مربیان را به خود جلب کرده است (سیف، ۱۳۸۹ به نقل از علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵). روان‌شناس لو ویگوتسکی^۱ در نظریه اجتماعی و فرهنگی خود توضیح می‌دهد که تعامل اجتماعی نقش اساسی در رشد شناخت دارد. ویگوتسکی معتقد است که کودک در محیط اجتماعی یاد می‌گیرد. او بر یادگیری کمکی از طریق دابست زنی تاکید کرد. فرایند اجتماعی شدن کودکان و توانمند سازی آنان در درک هنجارها و انتظارات دنیای اطرافشان ایجاد محیط آموزشی ایمن ضروری است که در آن کودک احساس کند می‌تواند در محیط‌های حمایتی ریسک‌های مناسب را بپذیرند. رشد اخلاقی: فرایندی است که از طریق آن کودک براساس هنجارها، قواعد و قوانین اجتماعی و فرهنگی، نگرش‌ها و رفتار مناسبی را نسبت به افراد جامعه ایجاد می‌کند. خانه اولین جایی است که فرایند یادگیری کودک آغاز می‌شود و اولین موسسه آموزشی غیررسمی است. (Majeed, 2016)

پیشینه پژوهش

مالک نارویی نژاد حسن آباد (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان بررسی و تحلیل نقش خانواده در اجتماعی شدن فرزندان به این نتیجه دست یافت که خانواده اولین نهاد درامر شکل دهی به رفتار فرزندان محسوب می‌شود پدر و مادر فرزندان خود را در معرض مجموعه‌ای از ارزش‌ها قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد جرین اجتماعی شدن فرزندان به شدت تحت‌تاثیر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و همچنین نهادهای اجتماعی مانند خانواده و... می‌باشد.

حسینی نیای راجعونی و اصلانی (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان بررسی رابطه سبک تربیتی مقتدرانه والدین و الگوی ارتباطی خانواده با سازگاری اجتماعی دانش آموزان دختر پایه‌های ابتدایی به این نتیجه دست یافتند که نتایج به دست آمده نشان داد که بین سبک تربیتی مقتدرانه والدین و سازگاری اجتماعی دانش آموزان رابطه مستقیم و معنادار ($r = 0/376$) وجود دارد. این یافته‌ها تاکید داشتند که بین الگوی ارتباطی خانواده در زمینه گفت و شنود ($r = 0/450$) و همنوایی ($r = 0/383$) با سازگاری اجتماعی دانش آموزان رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. از این رو نتیجه گیری شد، سبک تربیتی مقتدرانه والدین و مولفه‌های مرتبط با الگوی ارتباطی خانواده قادر به پیش بینی تغییرات سازگاری اجتماعی دانش آموزان می‌باشند.

جوادعلی محمدی (۱۴۰۰) در پژوهش خود با عنوان نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان به این نتیجه دست یافتند که روان‌شناسان از میان عوامل مختلف، بر نقش خانواده به عنوان سنگ بنای تربیت و شکل‌گیری شخصیت، تاکید دارند، اما از دیدگاه اسلام، آیات و روایات، علاوه بر مهم شمردن نقش خانواده، عوامل دیگری با عنوان حاکمیت و فضای سیاسی را نیز در تربیت الهی و فراهم نمودن، زمینه‌های شکوفا شدن استعدادها و کودک و نوجوان و بازگشت به فطرت انسانی و الهی مهم می‌داند و سفارش می‌فرماید که اگر حاکمیت و فضای سیاسی طبق ملاک‌ها و معیارهای اسلامی باشد و مسئولین حکومتی صالح و سالم باشند، از طریق فرهنگسازی اسلامی، بر سایر عوامل نیز تاثیر می‌گذارد. فضای سیاسی و فرهنگی، اگر اسلامی و عادلانه باشد، زمینه فلاح و صلاح در همه نهادهای اجتماعی از جمله، خانواده و مدرسه ایجاد می‌شود و همین طور سایر عوامل، به سوی فلاح و صلاح حرکت می‌کنند و رنگ و شکل اسلامی و الهی می‌گیرند.

ذکایی فر و موسی زاده (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان نقش سبک‌های فرزند پروری والدین در پیش‌بینی رشد اجتماعی کودکان پیش‌دبستان ۵ و ۶ ساله به این نتیجه دست یافتند که میزان ضریب همبستگی مشاهده شده بین رشد اجتماعی و سبک‌های فرزندپروری والدین ارتباط دارد. از نظر آماری نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که ضریب همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مقتدرانه با رشد اجتماعی در سطح معناداری $p > 0/05$ مثبت و معنی‌دار است اما ضریب همبستگی پیرسون بین سبک فرزندپروری مستبدانه و رشد اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنی‌داری وجود ندارد. همچنین

¹ Lev Vygotsky

نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان داد، سبک فرزندپروری مقتدرانه در سطح معنی داری آزمون (۰.۰۰۰۱) بهترین متغیر برای پیش‌بینی رشد اجتماعی کودکان است. با استناد به یافته‌های به دست آمده از این پژوهش می‌توان گفت، سبک‌های فرزندپروری یکی از پیش‌بینی کننده‌های مهم رشدی بویژه در حیطه اجتماعی کودکان است. لیکن تفاوتی که در این پژوهش با سایر پژوهش‌های انجام شده دارد، این است که نتایج ارتباط بین سبک سهل‌گیرانه و رشد اجتماعی را نشان می‌دهد.

محدثه درامان نرجس نصر (۱۳۹۵) در مطالعات خودبا عنوان بررسی تاثیر تحصیلات والدین بر رشد اجتماعی فرزندان به این نتیجه دست یافت که عوامل گوناگونی همچون: جامعه، رسانه‌های جمعی، آموزش و پرورش، خانواده و... بر رشد شخصیت اجتماعی فرد تاثیر گذار است، ولی در این میان خانواده به عنوان اولین عرصه حضور فرد تاثیر بیشتر و بسزاتری بر رشد اجتماعی وی دارد. والدین به دلیل ارتباط بیشتر نسبت به سایرین با فرزند طبیعتاً در شکل‌گیری جنبه‌های مختلف شخصیت فرد نقش اساسی ایفا می‌کنند. تحقیق حاضر به منظور بررسی تاثیر تحصیلات والدین بر رشد اجتماعی فرزندان انجام شده است که در آن متغیرهایی از قبیل تحصیلات والدین، مرزهای خانواده، رفتار والدین با فرزندان، سبک‌های تربیتی و پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین بررسی شده است. این تحقیق به صورت میدانی و با استفاده از شیوه‌های مردم نگارانه به دست آمده است. سطح سواد والدین بر رشد اجتماعی فرزندان تاثیر چشمگیری دارد و همچنین در این تحقیق اثر قطعی تاثیر سطح سواد والدین بر مشکلات رفتاری و مشکلات تحصیلی دانش آموزان مسجل است. سطح سواد والدین و در نتیجه موفقیت بیشتر آنها در تربیت و تعلیم کودک خود بر رشد اجتماعی فرزند و توانایی برقراری ارتباط سودمند و اثر بخش وی با دیگران، ارتباط مستقیم و مثبت دارد.

ریاحی موسی، ریاحی یزدان و محمدرضا جبارکیش (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان بررسی نقش عملکرد خانواده در پیش‌بینی رشد اجتماعی فرزندان به این نتیجه دست یافتند که نتایج پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین کارایی خانواده با رشد اجتماعی رابطه وجود دارد همچنین رشد اجتماعی قادر به پیش‌بینی عملکرد خانواده می‌باشد.

سوال اصلی

آیا خانواده بر سازگاری اجتماعی فرزندان تاثیر دارد؟

روش تحقیق

پژوهش ما بر حسب هدف از نوع تحقیقات کاربردی است که از طریق روش توصیفی-تحلیلی به دنبال این هستیم که رابطه بین نقش خانواده و سازگاری اجتماعی فرزندان را مورد بررسی قرار دهیم جهت دستیابی به هدف پژوهشی از مطالعات کتابخانه‌ای و منابعی از قبیل مقاله، پایان‌نامه، ژورنال‌ها، سایت‌های sid، magiran و... استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر طبق مطالعات کتابخانه‌ای به شرح زیر می‌باشد.

جدول - ۱

نویسنده/نویسندگان	موضوع	یافته‌های پژوهش
۱ سیف مهدی، کاظمی زهرا (۱۴۰۱)	بررسی نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت فرزندان: یک مطالعه مروری نظام مند	شخصیت را می‌توان، مجموعه‌ای از الگوهای پایدار انسان در ادراک، شناخت و روابط میان فردی تعریف نمود؛ نوعی سبک قابل پیش‌بینی در شیوه فکر، احساس و رفتار، که از ارتباط نزدیک عوامل زیستی، تجربه‌های آغازین زندگی، روند تکامل شخصی و تأثیرات بین فردی، اجتماعی و فرهنگی به وجود می‌آید. خانواده یکی از تأثیر گذارترین عوامل در شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان می‌باشد. نحوه رفتار والدین با فرزندان، سبک تربیتی که آنها استفاده می‌کنند و شخصیت والدین اثرات بسیاری بر تکوین شخصیت فرزندان دارد. از آنجایی که تغییر صفات شخصیتی افراد سخت و کند صورت می‌پذیرد، بنابراین می‌توان با آموزش‌های لازم در این خصوص و آگاهی دادن به والدین در مورد این تأثیرات، آنان را در شکل‌دهی صفات شخصیتی بهنجارتر فرزندان کمک نمود.
۲ نارویی نژاد مالک (۱۴۰۱)	بررسی و تحلیل نقش خانواده در اجتماعی شدن فرزندان	که خانواده اولین نهاد در امر شکل‌دهی به رفتار فرزندان محسوب می‌شود پدر و مادر فرزندان خود را در معرض مجموعه‌ای از ارزش‌ها قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد جرین اجتماعی شدن فرزندان به شدت تحت تأثیر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و همچنین نهادهای اجتماعی مانند خانواده و... می‌باشد.
۳ حسینی نیای راجعونی، کیوان و اصلانی شتهانی مونا (۱۴۰۱)	بررسی رابطه سبک تربیتی مقتدرانه والدین و الگوی ارتباطی خانواده با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه‌های ابتدایی	نتایج به دست آمده نشان داد که بین سبک تربیتی مقتدرانه والدین و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان رابطه مستقیم و معنادار ($r=0/376$) وجود دارد. این یافته‌ها تأکید داشتند که بین الگوی ارتباطی خانواده در زمینه گفت‌و شنود ($r=0/450$) و همنوایی ($r=0/383$) با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. از این رو نتیجه‌گیری شد، سبک تربیتی مقتدرانه والدین و مولفه‌های مرتبط با الگوی ارتباطی خانواده قادر به پیش‌بینی تغییرات سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان می‌باشند
۴ قائم‌ی صدر حدیث، سزازی همانکوه ریحانه (۱۴۰۰)	نقش الگوهای ارتباطی خانواده با خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان	خانواده به عنوان مهم‌ترین گروه اجتماعی است که دانش‌آموزان در تحول ساخت‌های شناختی اجتماعی و عاطفی کودک نقش مهمی را در تحصیل دانش آموز دارد. خانواده در امر ادامه تحصیل دانش‌آموزان مهارت‌های زیادی را به او منتقل می‌کند بنابراین دانش‌آموز ویژگی‌های مثبت و منفی خود را از خانواده گرفته و به صورت خودکار در ادامه تحصیل وی تأثیر بسزایی دارد. مقاله حاضر به بررسی نقش خانواده در ادامه تحصیل دانش‌آموز می‌پردازد و به این سوال پاسخ می‌دهد خانواده چه نقش در ادامه تحصیل دانش‌آموز دارد؟
۵ توکلی وردنجانی فاطمه (۱۴۰۰)	بررسی نقش خانواده در گرایش فرزندان به خودکشی با	پژوهش فوق با رویکرد توصیفی - اسنادی است که با مروری بر منابع نظری مرتبط و روش کتاب‌خانه‌ای صورت گرفته است؛ پس از تبیین مفاهیم و پیشینه تحقیق، به توضیح و تعریف خودکشی و انواع آن، و

		رویکرد اثربخشی هویت خانواده در جلوگیری از بروز خودکشی	تعریف خانواده، کارکردهای خانواده، عوامل مؤثر بر تحکیم روابط خانواده و در نهایت به بیان مفهوم پیشگیری و انواع آن در خودکشی فرزندان پرداخته شده است. یافته‌های این پژوهش بیانگر این است که برای مقابله با هر پدیده قابل پیشگیری مانند خودکشی، نه تنها برنامه‌ریزی، هماهنگی و همدلی بین‌المللی و ملی از طرف تمامی ارگان‌های دست‌اندرکار ضروری است، بلکه از آن مهمتر اجرای صحیح این برنامه‌ها در سطح خانواده‌هاست. به عبارت دیگر باید به این سمت و سو حرکت کرد تا با ارزش‌گذاری دستورات اخلاقی و نهادینه سازی صفات اخلاقی حاکم بر روابط اعضای خانواده و تصحیح الگوی تربیت فرزندان، زمینه گسترش انسجام و ارتباط اعضای خانواده فراهم و در نتیجه آن ضمن کاهش آسیب‌های اجتماعی و روانی از جمله خودکشی هم فرزندان خود را بیمه کنیم و هم جامعه در مسیر حرکت به سوی سعادت قرار گیرد
۶	مرادی خانقاه سکینه (۱۴۰۰)	نقش عاطفی خانواده در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری	هدف تحقیق حاضر، بررسی نقش عاطفی خانواده در تربیت نوجوانان از دیدگاه مطهری است. این تحقیق، با توجه به موضوع و هدف خود از نوع تحقیقات کاربردی به شمار می‌رود و روش تحقیق آن، توصیفی تحلیلی (تحلیل محتوا) و روش گردآوری اطلاعاتش، کتابخانه‌ای بوده است. از مجموع آراء استاد مطهری اینگونه استنباط می‌گردد که وی به تربیت و مخصوصاً تربیت خانوادگی و تاثیر آن در رشد و شکوفایی نوجوانان بسیار اهمیت قائل است. از نظر شهید مطهری در وجود انسان عواطف غیرفردی زیاد وجود دارد ولی آنها چشمه‌هایی است در وجود انسان که با کنترل عقل و اراده در جای خودش باز می‌شود. و لذا انسان‌های کامل این چنین، گاهی کارهایی از آنها صادر می‌شود که در نهایت رقت عاطفی است و وقتی انسان روح این‌ها را در آن صحنه می‌بیند، می‌بیند از گل نازکتر و از نسیم لطیفتر است، ولی همان انسان را در جای دیگر با یک خشونت می‌بیند که کوه به آن خشونت نمی‌رسد.
۷	دسترنج منصوره (۱۳۹۹)	بررسی نقش خانواده در بزهکاری نوجوانان و جوانان شهرستان بستک	پژوهش نشان داد متغیرهای نگرش دینی، نظارت والدین، تعلقات و تعهدات خانوادگی، تعارضات والدین و گسست نسلی با رفتار بزهکارانه نوجوانان و جوانان بستک رابطه معنادار دارند. همچنین متغیر گسست نسلی قویترین پیشبینی کننده رفتار بزهکارانه است. بنابراین خانواده‌ها با کنترل متغیرهای موثر می‌توانند از بزهکاری نوجوانان بکاهند.
۸	حسینی کلائی سیده ساناز، اسدی مسعود (۱۳۹۹)	اثربخشی آموزش والدگری موفق به مادران بر سازگاری عاطفی، تحصیلی و اجتماعی دختران	نتایج نشان داد که آموزش والدگری موفق به مادران بر سازگاری تحصیلی دختران نوجوان موثر نبوده است، اما بر سازگاری کلی، عاطفی و اجتماعی دختران نوجوان موثر بوده و این تاثیر تا مرحله پیگیری پایدار مانده است. از نتایج پژوهش حاضر می‌توان جهت مداخلات آموزشی به والدین در راستای افزایش سازگاری فرزندان نوجوان استفاده کرد.
۹	پارسیان منیره، کمالی ایگلی سمیه،	تاثیر کارکردهای خانواده بر سازگاری	این مقاله به بررسی عملکرد خانواده بر سازگاری اجتماعی و خودتنظیمی دانش‌آموزان دبیرستانی می‌پردازد. روش تحقیق توصیفی- همبستگی

	ابوالمعالی الحسینی خدیجه (۱۳۹۹)	اجتماعی و خودتنظیمی دانش- آموزان دبیرستانی شهرستان قائم شهر	است. جامعه آماری را کلیه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهرستان قائم شهر تشکیل می‌دهند. تعداد ۱۱۰ دانش آموز دختر به صورت تصادفی به عنوان حجم نمونه پژوهش انتخاب شدند. نتایج نشان داد که بین عملکرد خانواده و سازگاری اجتماعی و خودتنظیمی دانش آموزان دبیرستانی در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ و سطح اطمینان ۰/۹۹ تفاوت معناداری وجود دارد. بر اساس تحلیل رگرسیون، متغیرهای تابع خانواده (با ضریب ۰/۴۶) و سازگاری اجتماعی (با ضریب ۰/۴۴) به ترتیب بیشترین ضریب رگرسیون استاندارد شده را بر روی متغیر وابسته خودتنظیمی دانش آموز داشتند.
۱۰	نمازی فرحناز، دکترسهرابی شگفتی نادره (۱۳۹۷)	نقش واسطه گری سازگاری اجتماعی دربین الگوهای خانواده و سلامت روان نوجوانان	در این پژوهش از پرسشنامه‌های سازگاری بل، خود کارآمدی عمومی و ابزار سنجش کارکرد خانواده استفاده شد. نتایج نشان داد که بین عملکرد خانواده و خودکارآمدی با سازگاری دانش آموزان رابطه وجود دارد و عملکرد خانواده و خودکارآمدی، سازگاری دانش آموزان را پیش بینی می‌کنند. با توجه به اینکه محیط اطراف ما دائماً در حال تغییر است، توانایی سازگاری با این شرایط حیاتی است، بنابراین توجه به عوامل اثر گذار بر سازگاری ضروری به نظر می‌رسد.
۱۱	محمدی فر محمدعلی، کاظمی سکینه وزارعی مته کلایی الهه (۱۳۹۵)	نقش عملکرد خانواده و خودکارآمدی در سازگاری اجتماعی دانش آموزان	در این پژوهش از پرسشنامه‌های سازگاری بل، خود کارآمدی عمومی و ابزار سنجش کارکرد خانواده استفاده شد. نتایج نشان داد که بین عملکرد خانواده و خودکارآمدی با سازگاری دانش آموزان رابطه وجود دارد و عملکرد خانواده و خودکارآمدی، سازگاری دانش آموزان را پیش‌بینی می‌کنند. با توجه به اینکه محیط اطراف ما دائماً در حال تغییر است، توانایی سازگاری با این شرایط حیاتی است، بنابراین توجه به عوامل اثر گذار بر سازگاری ضروری به نظر می‌رسد.
۱۲	Hosokawa Rikuya, Katurisa Toshika and Taira Kazuya (2022)	تجربه روی داده‌های سالانه در خانواده و سازگاری اجتماعی کودکان در سن مدرسه	در پژوهش خود دریافتند که که کودکانی که از خانواده‌هایی با تجربه‌های متعدد از رویدادهای سالانه آمده‌اند، احتمال بیشتری دارد که رفتارهای اجتماعی بالاتری داشته باشند کمتر احتمال دارد که مشکلات برونی سازی یادرونی سازی داشته باشند. همین الگو حتی پس از تعدیل پیشینه اقتصادی اجتماعی خانواده و سایر عوامل نیز مشاهده شد. به عبارت دیگر، کودکانی که از خانواده‌هایی می‌آمدند که تجربه‌های متنوعی از رویدادهای سالانه داشتند بیشتر تمایلات اجتماعی نشان می‌دادند.
۱۳	Alrawwad, Theeb M. Al-, Al-Taj Heyam & Al-Tal (2016)	مشارکت والدین و سازگاری اجتماعی فرزندان آنها: شواهدی از دانش- آموزان اردنی	پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین مشارکت والدین و سازگاری اجتماعی فرزندان انجام شد. جامعه مورد مطالعه دانش آموزان دختر و پسر ابتدایی شهر عمان، اردن بودند. شرکت کنندگان به روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای شامل ۵۶۰ دانش آموز انتخاب شده‌اند. برای تجزیه تحلیل داده‌ها از پرسشنامه مشارکت والدین و پرسشنامه سازگاری اجتماعی با استفاده از نرم‌افزار SPSS استفاده شد نتایج نشان داد که بین مشارکت والدین و سازگاری اجتماعی فرزندان آنها رابطه مثبتی وجود دارد.

۱۴	Majeed khanday, Nazia (2016)	حمایت اجتماعی والدین: تربیت نقش اول فرزندان	محقق داده‌ها را از منابع ثانویه، مجلات، مقالات، سایت‌های مختلف اینترنتی، کتاب‌ها و سایر متون از مطالعات گذشته مربوط به مطالعه گرفته است. نتایج تحقیق حاضر با تربیت فرزندان در پرتو اسلام «والدین مانند آینه هستند، انعکاس آن را فرزندی پذیرد. اگر بازتاب خوب شد، کودک خوب است. اگر بازتاب بد باشد، کودک بد است.» هم سو می‌باشد.
----	------------------------------------	---	---

باتوجه به جدول -۱ به این نتیجه دست یافتیم که نقش خانواده بر سازگاری اجتماعی فرزندان تاثیر گذار است.

بحث و نتیجه گیری

تايرا و همکاران در پژوهش‌های خود به این نتیجه دست یافتند که تعداد رویداد و مراسمات تجربه شده به طور معناداری با ترکیب خانواده و سوابق تحصیلی والدین مرتبط بود. خانواده‌های تک والدی رویدادهای کمتری نسبت به خانواده‌های دو والدی تجربه کردند. هرچه سوابق تحصیلی مادر کم باشد حوادثی که کودک تجربه می‌کند کمتر است. مطالعات نشان داده است خانواده‌هایی با وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایین تمایل به داشتن محیط خانوادگی با کیفیت پایین دارند. توضیح احتمالی این امر شامل کمبود منابع اقتصادی، تفاوت‌های ناشی از سوابق تحصیلی والدین و عوامل روانی مانند استرس ناشی از فقر است. در این مطالعه، رابطه بین تجربه رویدادهای سالانه در خانواده و سازگاری اجتماعی کودک را بررسی کردیم. ما دریافتیم که کودکان خانواده‌هایی که رویدادهای سالانه متعددی دارند به احتمال زیاد رفتارهای اجتماعی بالاتری از خود نشان می‌دهند. مشکلات درونی و برونی سازی آنها احتمالاً کمتر است. مطالعات قبلی نشان داده‌اند که تشریفات خانوادگی موجب افزایش تعامل والدین می‌شود و میزان تعامل والدین و کودک بر رشد زبانی کودکان تاثیر می‌گذارد. (Kazuya, Katsura Toshiki; 2022).

(Taira ال تاج و آلرود در پژوهش خود به این نتایج دست یافتند که مشارکت والدین به طرق مختلف بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان در مدرسه تاثیر می‌گذارد. اول، زمانی که والدین در مدرسه مشارکت می‌کنند، سازگاری اجتماعی بهتر و رفتار مشکل ساز کمتری را ترویج می‌کند. فرزندان آنها رفتارهای مخرب کمتری دارند، سطح پرخاشگری و غیبت از مدرسه را کاهش می‌دهند و قوانین مدرسه را رعایت می‌کنند. دوم، هنگامی که والدین در مدرسه مشارکت می‌کنند، نگرش مثبت دانش آموزان در مورد مدرسه اغلب منجر به بهبود رفتار در مدرسه و تعلیق کمتر به دلایل انضباطی می‌شود. سوم، مشارکت والدین از طریق شرکت در فعالیت‌های مدرسه، بر ادراک دانش آموز از خود به عنوان یک یادگیرنده و بر انگیزه، عزت نفس و آرزوهای آموزشی آنها تاثیر می‌گذارد. در نهایت، زمانی که والدین درگیر می‌شوند، معمولاً انتقال بهتری انجام می‌دهند و کمتر احتمال دارد که مدرسه را ترک کنند. به طور کلی، وقتی والدین در مدرسه مشارکت می‌کنند، فرزندان نسبت به رفتارهای خود مسئولیت بیشتری پیدا می‌کنند و این امر بر یادگیری آنها تاثیر می‌گذارد. این نتیجه با مطالعات قبلی مطابقت دارد (هونگ و هو، ۲۰۰۵؛ یو و شارکی، ۲۰۰۹) که نشان می‌دهد مشارکت والدین مشارکت دانش آموزان را در فعالیت‌های مدرسه تشویق می‌کند و یادگیری آنها را بهبود می‌بخشد. علاوه بر این، مشارکت والدین در مدرسه بر تعامل عاطفی فرزندان تاثیر می‌گذارد. این مشارکت بر احساسات، علایق و نگرش دانش آموزان نسبت به مدرسه تاثیر می‌گذارد. این دانش آموزان بیشتر سرگرم کننده هستند و از اوقات مدرسه لذت می‌برند. علاوه بر این، وقتی والدین از مدارس کودکان بازدید می‌کنند، فرزندان احساس امنیت می‌کند و احتمال بیشتری دارد که در مدرسه شرکت کند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که وقتی والدین از طریق تمجید از تلاش‌های فرزندان خود به آنها علاقه نشان می‌دهند و در ایجاد جامعه در مدرسه مشارکت می‌کنند. آنها مستقیماً بر درک دانش آموزان از خود تاثیر می‌گذارند و سطح مشارکت دانش آموزان در مدرسه را پرورش می‌دهند. علاوه بر این، وقتی والدین به طور مکرر با فرزندان خود در مورد موضوعات مربوط به مدرسه صحبت می‌کنند، به احساس همزاد پنداری دانش آموزان با

مدرسه و درک کلی آنها از کنترل کمک می‌کنند. همانطور که کنترل و شناسایی با مدرسه افزایش می‌یابد، این مکانیسم‌های انرژی‌بخش درونی دانش‌آموزان را برمی‌انگیزد تا از نظر تحصیلی و رفتاری در فعالیتهای مدرسه درگیر شوند. یکی از تأثیرات مهم مشارکت والدین، انگیزه دانش‌آموزان برای یادگیری است. به طور خاص، خودکارآمدی آنها. دانش‌آموزانی که از خودکارآمدی بالایی برخوردارند، تمایل به صرف تلاش، توجه و مشارکت بیشتر در فعالیتهای مدرسه دارند. علاوه بر این، هنگامی که والدین بر تکالیف فرزندان خود نظارت می‌کنند، آنها را تشویق کنید تا در فعالیتهای فوق برنامه شرکت کنند. یافته‌های حاضر نشان می‌دهد که تمرکز بر مشارکت والدین به عنوان علت اصلی سازگاری اجتماعی بالاتر در میان کودکان اردنی است. دانش‌آموزانی که با مدرسه خود درگیر هستند، بیشتر از قوانین و مقررات کلاس پیروی می‌کنند. در نتیجه، مشارکت والدین در یادگیری فرزندان، نه تنها باعث بهبود روحیه، نگرش و پیشرفت تحصیلی کودک در تمام زمینه‌های موضوعی می‌شود، بلکه باعث بهبود رفتار و سازگاری اجتماعی نیز می‌شود. در تمام این راه‌ها، مشارکت خانواده در آموزش به کودکان کمک می‌کند تا اعضای مولد و مسئولیت‌پذیر جامعه رشد کنند. علاوه بر این، نتایج دارای برخی مفاهیم است. اولین؛ والدین باید توجه داشته باشند که مشارکت آنها در مدارس فرزندان می‌تواند سازگاری اجتماعی بهتری را به همراه داشته باشد. از این رو باید تلاش شود که آنها نسبت به مدارس فرزندان خود رفتار مثبت داشته باشند. دومین؛ هم خانه و هم مدرسه نیاز به همکاری دارند تا دانش‌آموزان را به خوبی تنظیم کنند، زیرا این امر می‌تواند باعث عملکرد تحصیلی شود. سوم: تلاش در برنامه مدرسه باید بر افزایش مشارکت والدین به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد سازگاری اجتماعی خوب در بین دانش‌آموزان متمرکز شود. (AlTaj, Heyam, Theeb Alrawwad, 2016) ماجد در پژوهش خود به این نتایج دست یافت که خانه اولین جایی است که فرآیند یادگیری کودک آغاز می‌شود و اولین مؤسسه آموزشی غیررسمی است. مادر اولین معلم کودک است. کودک در دوران نوزادی و کودکی بیشتر وقت خود را با مادر می‌گذراند. رفتار کودکان در طول سال‌های رشد می‌تواند توسط والدین به شکل و جهت دلخواه شکل بگیرد. در مراحل اولیه رشد ذهن کودک مانند یک لوح تمیز است که هر چیزی را می‌توان روی آن نوشت. اگر تصورات منفی در خانه به کودک داده شود، رشد و تکامل او را مختل می‌کند. مراقبت و توجه مناسب در تربیت کودک ضروری است. والدین با ایجاد محبت، تایید، پذیرش و محیطی باز که به رشد شناختی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی او کمک می‌کند و منجر به رشد کودک سالم و بدون استرس می‌شود، نقش مهمی در پی ریزی شخصیت کودک دارند. والدین نقش اساسی در تربیت فرزندان دارند. آنها سعی می‌کنند کودک را اجتماعی کنند و به او در ایجاد حس تعلق، احساس ما کمک کنند. هنگامی که کودک مورد محبت قرار می‌گیرد، پذیرفته می‌شود و آزادی لازم برای تصمیم‌گیری به تنهایی به او داده می‌شود، احساس تعلق و نگرش مراقبت نسبت به والدین و دیگران مهم در او ایجاد می‌شود. به طور خلاصه، حمایت اجتماعی عامل اصلی رشد و تکامل کودکان است. تأثیر مثبتی در تربیت کودک دارد و باعث افزایش تندرستی می‌شود. (Majeed, 2016)

پارسیان و همکاران در طی یک پژوهش بین‌المللی به این نتایج دست یافتند که محیط خانواده اولین و بادوام‌ترین عامل مؤثر بر رشد شخصیت فرد است. کودک ویژگی‌های بسیاری را از والدین خود به ارث می‌برد و والدین از این طریق زمینه رشد افراد را فراهم می‌کنند. تأثیر والدین بر فرزندان به جنبه‌های ارثی محدود نمی‌شود. خانواده‌ها نقش مهمی در آشنایی کودک با زندگی اجتماعی و فرهنگ جامعه دارند. والدین اغلب فکر نمی‌کنند که برای آموزش فرزندان خود نیازی به آموزش داشته باشند، در حالی که این احتمالاً سخت‌ترین وظیفه آنها در زندگی است. والدین با یادگیری شیوه‌های تربیت کودک قادر به حل مشکلات بین خود و فرزندان خواهند بود (شریعتمداری، ۱۳۸۱، به نقل از پارسیان و همکاران ۲۰۲۰). نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که متغیرهای عملکرد خانواده و سازگاری اجتماعی بالاترین ضریب تأثیر رگرسیون استاندارد شده را بر خودتنظیمی دانش‌آموزان داشتند. این یافته با یافته‌های محمدی‌فر، کاظمی و زارعی (۱۳۹۵) و محمودی، باقریان و حیدری (۱۳۹۳) مطابقت دارد. برای تبیین این یافته می‌توان گفت که عملکرد خانواده، عملکردی نیست که در آن استرس، تعارض و دشواری روانی وجود نداشته باشد، بلکه میزان توانایی خانواده در انجام وظایف و کارکردهای خود است. بنابراین ناکارآمدی و آسیب خانواده

در انجام وظایف و وظایف خود موجب آسیب به دانش آموزان خواهد شد. بنابراین با توجه به اینکه محیط ما دائماً در حال تغییر است، توانایی سازگاری با این شرایط حیاتی است، بنابراین توجه به عوامل مؤثر بر اعتیاد ضروری به نظر می‌رسد. بی شک خانواده مهمترین نقش را در کنترل و هدایت تخیل و پیدایش سازگاری اجتماعی و خودتنظیمی دانش آموزان دارد. خانواده‌ها باید شرایط لازم را برای فعالیتهای مختلف در اختیار دانش آموزان قرار دهند و به آنها فرصت پرسش، کنجکاوی و مدیریت محیطی را بدهند. لذا پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت و تأثیر سازگاری اجتماعی و تأثیر آن در مسیر زندگی، نه تنها مدیران و معلمان مدارس، بلکه کلیه مدیران مدارس از جمله خانواده‌ها در جهت خودسازی و افزایش دانش و دانش خود بکوشند. اطلاعات و تحقیقات در زمینه مقررات. با توجه به تأثیر مثبت کارکرد خانواده بر سازگاری اجتماعی و خودتنظیمی دانش آموزان، به مشاوران و درمانگران خانواده پیشنهاد می‌شود جلسات آموزشی و تربیتی خود را برای آموزش و آگاهی والدین از تأثیر این متغیر و پیامدهای آن بر دانش آموزان برگزار کنند. فرزند. عملکرد خانواده، شرایط خوب خانواده-اقتصادی، استفاده از امکانات تفریحی سالم، ایجاد فضای سالم و روانی در مدارس و توجه به علایق و استعدادهاى دانش آموزان و کمک به آنها در امر تحقیق و پژوهش از عوامل مهم است (پارسیان منیره، کمالی ایگلی سمیه، ابوالمعالی الحسینی خدیجه، ۱۳۹۹).

شاهسواری در یافته‌های خود به این نتیجه دست یافت که عوامل مؤثر در رشد اجتماعی فرزندان به دو دسته عوامل داخل خانواده و خارج خانواده تقسیم می‌شوند که در این مقاله به عوامل مؤثر بر رشد اجتماعی در خانواده می‌پردازیم در سال‌های نوپایی فرزندان، والدین عامل اصلی اجتماعی شدن آنها محسوب می‌شوند. آنها با برآز محبت، ایجاد محدودیت و آزادی برای کودک و سرکوبی رفتار غیر قابل پذیرش او، سرمشق کودک قرار می‌گیرند لذا فرایند اجتماعی شدن عملی می‌شود.

روابط و تعامل‌ها در خانواده

از آنجا که خانواده اولین جایگاه زندگی اجتماعی فرد است، در شکل‌گیری عادت‌ها و اندیشه‌های اجتماعی فرزندان نقش بسیار مهمی دارد. شیوه برخورد فرد با گروه‌هایی که در آینده با آنها سروکار خواهد داشت، به طور مستقیم، بر تجارب اخذ شده از محیط اجتماعی خانوادگی بستگی دارد. خانواده احساس پیوستگی اجتماعی را در کودک تقویت می‌کند. کودکانی که در کانون اجتماعی خانواده مرفه از شرایط مساعدی برای رشد جسمی و ذهنی برخوردارند، درسازگاری اجتماعی، موفق تر از فرزندان خانواده‌های فقیر هستند. نوع روابط میان والدین، برادرها و خواهرها و والدین و فرزندان، موقعیت فرزند در خانواده یا به عبارت بهتر، بزرگترین، میانی، کوچک‌ترین یا یگانه فرزند، عوامل مؤثری در سازگاری اجتماعی کودک هستند. مهمترین علل خانوادگی در تعیین شیوه رفتار اجتماعی کودک، شیوه‌ای است که از سوی والدین برای پرورش فرزند برگزیده می‌شود. روش‌هایی که والدین برای اجتماعی کردن کودکان به کار می‌برند، به شدت تحت تأثیر محله، مدرسه، خرده فرهنگ و فرهنگ گسترده‌تری است که خانواده در آن زندگی می‌کند. این روش تحت تأثیر خصوصیات کودک نیز قرار دارند. روش‌های اجتماعی سازی خانواده شامل حال و هوای هیجانی حاکم بر خانواده است که در رشد روابط کودک با هم‌تایان تأثیر بسیار مهمی دارد. شرایط سخت اقتصادی باعث پریشانی‌های هیجانی والدین می‌شود. این حالت‌های هیجانی منفی به طور مستقیم بر ظرفیت والدین برای تربیت و ارتباط با فرزندان آنها تأثیر می‌گذارد و در نهایت، به مشکلات سازگاری همچون رفتار ضد اجتماعی، افسردگی، احساس تنهایی و خصومت منجر می‌شود.

روابط والدین با فرزندان

به طور کلی در تعیین کیفیت روابط والدین با فرزندان عوامل متعددی دخالت دارند:

عامل فرهنگی از جمله این عوامل است. والدین در جوامع و فرهنگ‌های مختلف در مورد چگونگی برخورد با فرزندان و میزان توجه و محبت به آنها نگرش‌های متفاوتی دارند که ریشه آنها در باورها و عقاید آنان است. به هر حال آنچه می‌توان گفت این است که مهر و محبت برای کودک لازم است اما افراط در ابراز آن تا دوره نوجوانی موجب عقب ماندگی کودک در تکامل عاطفی

و اجتماعی می‌شود و این امر سازگاری وی را با شرایط زندگی بزرگسالی مختل می‌سازد. عامل دیگر شخصیت پدر و مادر است. والدین گوناگون، رفتارهای گوناگونی با فرزندان دارند و حتی یک پدر و مادر مشخص ممکن است در سال‌های مختلف، رفتارهای گوناگونی داشته باشند. برای نمونه، ممکن است پدر و مادری گاه سهل انگار و آسان گیر و گاه بی‌اندازه، سختگیر باشند. این نوسان در رفتار بیشتر معلول وضعیت جسمانی و روانی آنها است. رفتار والدین ممکن است بازتابی از سازگاری یا ناسازگاری آنها در زندگی زناشویی با یکدیگر باشد. روابط زن و شوهر، دخالت‌های خویشاوندان نزدیک، تنگناهای مالی، دلبستگی و همبستگی خانوادگی در مناسبات والدین با فرزندان تاثیر فراوان دارد. ناسامانی عاطفی مادر بیش از پریشانی پدر موجب اختلال در رفتار فرزندان می‌شود. چنان که مادری که دچار مشکلات عاطفی است، آگاهانه یا ناآگاهانه، کودک خود را برای حل مشکلات عاطفی خود به کار می‌گیرد. در نتیجه مصالح و حقوق کودک توجهی ندارد و به سدی در راه تکامل شخصیتی وی تبدیل می‌شود. برداشت مادر از «نقش مادرانه» در ارتباط‌های وی با فرزندانش موثر است. مادری که نسبت به نقش خود، باور مطلوبی نداشته باشد، نمی‌تواند با عشق به پرورش فرزندان بپردازد. جنسیت فرزند نیز از عوامل مهمی است که در رفتار والدین نسبت به فرزندان موثر است. اغلب والدین برخلاف ادعایشان مبنی بر مهم نبودن جنسیت فرزند ترجیح می‌دهند فرزند اولشان پسر باشد. در نتیجه، اگر جنسیت نوزاد آنها با خواسته شان منطبق نباشد، بدون شک آن نوزاد محبت کمتری از والدین دریافت خواهد کرد. مادران گرچه می‌کوشند با تمامی فرزندان رفتاری یکسان داشته باشند، نسبت به دختران سخت گیرترند؛ در مقابل، پدران با دختران رفتاری ملایم‌تر دارند می‌کوشند فرزندان پسر را زیر سلطه خود داشته باشند. سن کودک نیز در شیوه رفتار پدر و مادر با او موثر است. با افزایش سن کودک، معمولاً از میزان گرمی و محبت والدین به او کاسته می‌شود و سخت‌گیری و محدودیت افزایش می‌یابد. با افزایش سن، احساس و طرز تفکر کودک نیز نسبت به محبت‌های والدین دگرگون می‌شود. خردسالان به برخورداری از نوازش والدین علاقه مندند اما کودکان بزرگتر گاه از نوازش پدر و مادر می‌گریزند. سن پدر و مادر از دیگر عوامل موثر در رفتار والدین با فرزندان است. پدران و مادران جوان در رفتار با فرزندان شکیبایی و آرامش بیشتری دارند؛ در حالی که والدین سالمند با عصبانیت بیشتری نسبت به فرزندان خود رفتار می‌کنند. میزان تحصیلات پدر و مادر در شیوه رفتار آنان با فرزندان تاثیر فراوان دارد. والدینی که از تحصیلات عالی‌تر و عمیق‌تر برخوردارند، در مقایسه با والدین معمولی، رفتار دوستانه‌تر و آزادانه‌تری با فرزندان دارند. آرمان‌ها و انتظارات والدین، از عوامل بسیار تاثیرگذار بر فرزندان است. والدین جاه طلب و والدین کمال طلب، بدون توجه به توانایی و علایق فرزندانشان، از پیش راه کودک خود را تعیین می‌کنند. انگیزه آنان بر آوردن علایق، خواسته‌ها و احیاناً آرزوهای برآورده نشده دوران نوجوانی خودشان است.

برادران و خواهران

برادران و خواهران از عوامل مهمی هستند که در رشد اجتماعی کودک تاثیر می‌گذارند. بزرگ‌ترین فرزند خانواده غالباً بیشتر تابع بزرگسالان است، بیشتر احساس مسئولیت می‌کند و میل به پیشرفت و موفقیت دارد. رقابت و خصومت بین خواهر و برادرها معمول است ولی روابط گرم و محبت آمیز در بین آنان بسیار دیده می‌شود.

هم چشمی میان خواهران و برادران

کودک تا هنگامی که تنهاست، با والدین روابطی محدود و فردی خواهد داشت اما همین که دارای خواهر یا برادر شد، محدوده روابطش گسترش خواهد یافت و مانند روابط یک فرد بالغ در جامعه است. به عبارت دیگر، روابط کودکان خانواده با یکدیگر شبیه نقش‌ها و روابطی است که این کودکان در اجتماع آینده به عهده دارند. روابط خواهران و برادران و تعامل آنها به یکدیگر به رشد اجتماعی آنها کمک می‌کند. خویشن بینی که به طور عادی در کودک وجود دارد، باید به تدریج جای خود را به دیگر

بینی بدهد درعین حال مصالح شخصی کودک نیز از یاد نرود. کودک در تعامل با برادران و خواهرانش می‌آموزد که چطور در جایی که لازم است، از خود گذشت نشان می‌دهد و بی‌عدالتی و ناکامی‌های کوچک را تحمل می‌کند. عملکرد اساسی خواهران و برادران این است که به یکدیگر امکان دهند تا به بهترین وجه اجتماعی شوند و این امر مهم تحقق نمی‌یابد مگر این که از مرحله هم‌چشمی و رقابت به مرحله دوستی و همکاری قدم گذارند و این نشان دهنده تکامل یافتگی روابط خواهران و برادران است. هنگامی که دو کودک بایکدیگر به نزاع می‌پردازند، میان آنها ارتباطی اجتماعی برقرار می‌شود. چنین ارتباطی را نباید با دشمنی و خصومت اشتباه گرفت و آن را تجاوز و پرخاشگری نامید. این گونه نزاع‌ها برای شکوفا ساختن استعدادهای روانی و بدنی، لازم است. پدر و مادر عامل کنترل‌کننده هم‌چشمی کودکان هستند اما نباید آنها را به بهانه تربیت و ادب داشتن، از هرنوع رقابتی بازدارند؛ چرا که این کار موجب می‌شود نیوری رقابت در آنها و پس زده شود و به صورت پرخاشگری و رفتار عصبی بروز کند. کودکان را باید آزاد گذاشت که گرفتاری و اختلافات خود را خود حل کنند؛ زیرا در این صورت، بیشتر و بهتر به مفهوم قدرت و عدالت پی می‌برند.

حسادت خواهران و برادران

رقابت میان خواهر و برادرها از سنین ۷ و ۳ سالگی شدت می‌یابد و به مرحله بحرانی می‌رسد. توجه بیش از حدی که گاهی مادر نسبت به فرزند کوچکتر نشان می‌دهد، حسادت کودک بزرگتر را تا حدی برمی‌انگیزد.

سلسله مراتب خواهران و برادران

موقعیت روانی کودک در خانواده، اغلب به ترتیب تولد نسبت به فرزندان دیگر بستگی دارد. هریک از فرزندان وقایع را از دید خود می‌نگرد. بنابراین، جوخانوادگی بر تشابه صفات مشخصه فرزندان تأثیر دارد و ترکیب خانواده بر تفاوت بین آنها اثر می‌گذارد. بزرگ‌ترین فرزند خانواده همه چیز را متفاوت با کوچک‌ترین فرزند می‌بیند. رقابت بین کودکان هم بر رشد شخصیت آنان تأثیر عمیق دارد. فرزندان برحسب ترتیب تولدشان، موقعیت، مسیر رشد، باورها و طرز تلقی خاص خود را دارند. پسری که بعد از چند دختر به دنیا آمده است یا دختری که فرزند ارشد خانواده‌ای است که خواهان پسر بوده‌اند، هریک در موقعیت روانی خاصی قرار می‌گیرد که بر عملکرد و نظرهایش تأثیر خواهد گذاشت. اختلاف سن فرزندان یک خانواده نیز بر موقعیت روانی هر یک از آنان تأثیر دارد. فرزند کوچک مستعد است که مودب‌ترین، خوش‌روترین یا ناشی‌ترین کودک خانواده باشد و از کلیه موقعیت‌هایی که پیش می‌آید، به نفع خود بهره‌برداری کند. تنها فرزند خانواده کسی است که سال‌ها در میان افرادی که از او بزرگتر و تواناترند، زندگی کرده است. اوسعی می‌کند به شیوه خاصی در میان بزرگسالان جایی برای خود باز کند. این گونه کودکان ممکن است خیلی لفظ قلم جذاب و باهوش باشند یا به تناسب هدفهایشان، خجالتی و بی‌دست و پا از آب در آیند. هم چنین ممکن است احساس کنند که برتر از سایرین هستند و خود را مستحق این برتری بدانند.

وضع اجتماعی-اقتصادی

این عامل را شاید نتوان صرفاً مربوط به خانواده و داخل آن دانست. شاید بخشی از آن مربوط به خارج و بخشی مربوط به داخل خانواده باشد. وضع اجتماعی-اقتصادی با طبقه اجتماعی درآمد، سطح سواد و دانش، نیز سطح اشتغال خانواده مشخص می‌شود و البته تمام اینها بایکدیگر در ارتباطند. در واقع، جوامع نیز براساس وضع اجتماعی-اقتصادی شان طبقه‌بندی می‌شوند. هر خانواده با داشتن تفاوت‌هایی که تقریباً در تمام جنبه‌های زندگی-شرایط محیطی، ارزش‌ها، طرز برخورد و انتظارات- دیده می‌شود، در طبقه‌ای جای می‌گیرد. هم چنین متغیرهای وضع اقتصادی-اجتماعی خانواده، حتی پیش از تولد بر کودک تأثیر

می‌گذارند. تاثیر این متغیر در طبقات پایین چشم‌گیرتر است. افرادی که وضع اقتصادی - اجتماعی پایینی دارند، در سنین پایین ازدواج می‌کنند. والدین طبقات پایین اجتماع، کودکانشان محدودتر به بار می‌آورند؛ مثلاً، کودک را به خاطر شب ادرای تنبیه می‌کنند، نسبت به وضع ظاهری آنها دقت بیشتری دارند و استقلال کمتری در کودکانشان پیش بینی می‌کنند. این شیوه محدود کننده، به کودک می‌آموزد که به جای تامل و تعمق در کارها بی اختیار عمل کند، به جای طرح ریزی برای آینده تنها به امور زودگذر بپردازد و به جای جست و جوی راه‌های مختلف انجام دادن یک کار، شکایت کند و بهانه بگیرد (شاهسواری زهرا، ۱۳۹۱).

منابع

- [۱] علیزاده فرد، سوسن؛ محتشمی، طیبه و تدریس تبریزی، معصومه. (۱۳۹۵). اثربخشی برنامه آموزش والدین بر مهارت‌های اجتماعی کودکان دارای ناتوانی یادگیری. *ناتوانی‌های یادگیری*، ۵ (۱)، ۸۹-۱۰۷.
- [۲] اخوی، اصغر؛ علی محمدی، جواد. (۱۴۰۰). نقش خانواده در شکل‌گیری بعد رفتاری شخصیت کودک و نوجوان. *پژوهش در علوم رفتاری و تربیتی با رویکرد اسلامی*، ۳۱-۵۵.
- [۳] توکلی وردنجان، فاطمه (۱۴۰۰). پایان نامه بررسی نقش خانواده در گرایش فرزندان به خودکشی با رویکرد اثربخشی هویت خانواده در جلوگیری از بروز خودکشی؛ دانشگاه شیراز
- [۴] جعفری سیریزی فائزه، عسکری ندوشن، عباس و روحانی علی. (۱۴۰۰). مادران و تربیت نسل؛ کاوشی انتقادی از دغدغه‌های اجتماعی مادران در رابطه با فرزندپروری. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۱۴ (۴)، ۱۱۷-۱۷۵.
- [۵] حسنی نیای راجعونی، کیوان واصلانی پشتپهانی، کیوان، (۱۴۰۱). بررسی رابطه سبک تربیتی مقتدرانه والدین و الگوی ارتباطی خانواده با سازگاری اجتماعی دانش آموزان دختر پایه‌های ابتدایی، اولین کنفرانس بین المللی علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره، آموزش و پرورش
- [۶] حسینی کلائی، سیده سانازو اسدی، مسعود. (۱۳۹۹). اثر بخشی آموزش والدگری موفق به مادران بر سازگاری عاطفی، تحصیلی و اجتماعی دختران نوجوان. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۱۱ (۴۳)، ۸۹-۱۲۰.
- [۷] حوری، ارجمند؛ یزدان پناه، شراره. (۱۴۰۰). اثربخشی خانواده درمانی؛ هشتمین دوره کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی
- [۸] درامان نرجس، محدثه. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر تحصیلات والدین بر رشد اجتماعی فرزندان؛ دومین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران
- [۹] دسترنج، منصوره (۱۳۹۹) بررسی نقش خانواده بر رفتار بزهکارانه نوجوانان و جوانان در شهرستان بستک در سال ۱۳۹۸. *مطالعات پلیس زن*، ۳۲ (۱۴)، ۷۷-۹۷.
- [۱۰] دودمان، پروانه و قلتاش، عباس (۱۳۹۶). رابطه الگوهای فرزندپروری والدین با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*، ۸ (۲)، ۸۵-۹۶.
- [۱۱] ذکایی فر، آرزو و موسی زاده، توکل. (۲۰۲۰). نقش سبک‌های فرزند پروری والدین در پیش‌بینی رشد اجتماعی کودکان پیش‌دبستان ۵ و ۶ ساله. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۱۰ (۳۷)، ۸۷-۱۰۰.
- [۱۲] ریاحی موسی، ریاحی یزدان و محمدرضا جبارکیش (۱۳۹۴). بررسی نقش عملکرد خانواده در پیش بینی رشد اجتماعی فرزندان؛ سومین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی
- [۱۳] سنگانی، علیرضا، مکوندی، بهنام و عسگری، پرویز. (۱۴۰۱). نقش واسطه‌ای سازگاری اجتماعی در رابطه بین نظریه ذهن و خودکارآمدی با گرایش به شبکه‌های مجازی در دانش آموزان تیزهوش. *نشریه علمی روانشناسی اجتماعی*، ۱۰ (۶۳)، ۶۵-۷۹.
- [۱۴] شاهسواری، زهرا. (۱۳۹۱) رشد اجتماعی فرزندان؛ رشد آموزش مشاور مدرسه. ۷، (۲۷)
- [۱۵] شریعتی، سید صدر الدین، و صحرایی، فاطمه. (۱۳۹۸). بررسی نقش والدین در تربیت عاطفی کودک با بهره‌گیری از سیره امام رضا (ع). *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۱۰ (۳۸)، ۵۹-۸۰.
- [۱۶] ششمین کنفرانس بین المللی مطالعات نوین مدیریت و حسابداری در ایران
- [۱۷] طیبی، زهرا و ناظمیان، صدیقه. (۱۳۹۹). بررسی خانواده موفق و آسیب‌های متوجه خانواده؛ هفتمین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران

- [۱۸] عباداتی، لیلا و عباداتی، نرجس. (۱۴۰۰). بررسی رابطه طرحواره جنسیتی و سازگاری اجتماعی نوجوانان. فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، ۱۳ (۵۰)، ۱-۱۲.
- [۱۹] قائمی صدر، حدیث و سزازی همانکوه، ریحانه. (۱۴۰۰). نقش الگوهای ارتباطی خانواده با خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان؛
- [۲۰] کارخانه، فروزان. (۱۳۹۶). بررسی نقش خانواده در اجتماعی کردن فرزندان از دیدگاه مردان متأهل دارای فرزند ۶۱ تا ۶۱ سال در شهرستان کنگاور سال ۱۳۹۶. اولین همایش بین المللی مطالعات و تحقیقات علوم انسانی و اسلامی
- [۲۱] کاظمی، زهراوسیف، مهدی (۱۴۰۱). بررسی نقش خانواده در شکل گیری شخصیت فرزندان: یک مطالعه مروری نظام مند؛ چهارمین کنفرانس بین المللی حقوق، روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری
- [۲۲] محمدی فر، محمدعلی؛ کاظمی، سکینه و زارعی مته کلایی، الهه. (۱۳۹۵). نقش عملکرد خانواده و خودکارآمدی در سازگاری اجتماعی دانش آموزان. روان شناسی مدرسه و آموزشگاه، ۵ (۴)، ۱۱۷-۱۳۱.
- [۲۳] مختاریپور. (۱۳۹۸). تبیین جامعه شناختی عوامل اجتماعی موثر بر جامعه پذیری ورزشی. مطالعات فرهنگی / اجتماعی / المپیک، ۱ (۱)، ۱۲۵-۱۵۵.
- [۲۴] مرادی خانقاه، سکینه. (۱۴۰۰). نقش عاطفی خانواده در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری؛ هفتمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی، اجتماعی و سبک زندگی
- [۲۵] نارویی نژاد، مالک. (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل نقش خانواده در اجتماعی شدن فرزندان، نهمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارافزینی ایران
- [۲۶] نمازی، فرحناز و سهرابی، ساناز؛ (۱۳۹۷). نقش واسطه گری سازگاری اجتماعی در بین الگوهای خانواده و سلامت روان نوجوانان؛ فصلنامه مطالعات روانشناسی تربیتی؛ ۱۵، ۲۳۷-۲۵۶
- [۲۷] نوایی، جعفر و نگارنده، رضا. (۱۳۹۵). تبیین فرایند اجتماعی شدن فرزندان در تجارب والدین؛ مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت؛ ۵ (۴): ۳۸۶-۳۷۶

- [28] Hosokawa, R., Katsura, T. , & Taira, K. (2022). Experience of annual events in the family and social adjustment of school-age children. *Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health*, 16 (1) , 39.
- [29] Majeed, N. (2016). Parental social support: its role in upbringing of children. *Research Paper Social Science*, 2 (11), 49-52.
- [30] Parsian, M., Igoli, S. K. , & Alhosseini, K. A. (2020). The effect of family function on social adjustment and self-regulation of high school students. *International Journal Of Psychological Studies*, 12 (3)
- [31] Al-Rawwad, T. M. , Al-Taj, H. , & Al-Tal, S. (2016). Parental involvement and their children's social adjustment: Evidence from Jordanian students. *International Review of Social Sciences and Humanities*, 11 (2) , 119-125.